

## ارتباط بین معلم و دانش آموز برای کنترل پرخاشگری

مبینا ترابی سامانی

کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه باهنر چهارمحال بختیاری

### چکیده

نوجوانی یکی از بهترین مراحل زندگی آدمی محسوب می شود دوره ای که نوجوان به هویت واقعی خویش دست می یابد در این مرحله شاید والدین نتوانند به او کمک چندانی بکنند. زیرا او الگوهای خود را در جای دیگر جستجو می - کند. میل به اظهار وجود و اثبات خود یکی از طبیعی ترین حالت روانی دوره نوجوانی است او باید خود را برای زندگی مستقل اجتماعی آماده کند، تحقیق این موضوع پیش از هر چیز مستلزم یافتن هویت خویش است. اینک اگر والدین و مربیان این دوره را خوب بشناسند و با آنان برخوردی مناسب داشته باشند هم نوجوان به هویت خویش دست می یابد و هم والدین و مربیان کمتر احساس نگرانی می کنند از این رو بیشتر خشونت دوران جوانی ریشه در ناکامی های اولیه زندگی دارد و پیش از هر چیز باید به عوامل بوجود آورنده و زمینه های خشم توجه داشت و برای مقابله با آن چاره سازی کرد. هر فردی ویژگی های شخصیتی منحصر به فردی دارد و در شرایط مختلف رفتارهای متفاوتی از خود نشان می دهد برخی به گونه های تهاجمی و خشمگینانه عمل می کنند، بعضی دیگر کناره گیری می کنند و گوشه گیری می شوند و افرادی نیز هستند که قادرند با آرامش و تسلط برخورد کنند. عوامل مختلف در طول دوران زندگی موجب شکل گیری و تقویت این رفتارها شده است یکی از این رفتارها خشم عصبانیت پرخاشگری است از آنجا که یافتن علل پرخاشگری و همچنین کنترل آن می تواند کمک شایانی به زندگی افراد نماید پژوهش پیش رو با استفاده از روش توصیفی علاوه بر یافتن علل و عوامل پرخاشگری در صد ارائه اطلاعاتی به والدین و مسئولان مدارس در زمینه اهمیت پدیده خشونت در کودکان می باشد.

**واژگان کلیدی:** کنترل، دانش آموز، ارتباط معلم و دانش آموز، پرخاشگری.

### مقدمه:

پرخاشگری در کودکان پدیده ای شایعی است که به صورت های مختلف جسمی، عاطفی و تنش قابل توجه در آنها دیده می شود. اگرچه این مسئله بخشی طبیعی در روند رشد کودک شماسست، اما از او انتظار می رود که در مدرسه احساساتش را کنترل و مدیریت کند. هرچه آموزش های شما در این زمینه از سن کمتری آغاز شود احتمال اینکه فرزندان بتواند بر پرخاشگری اش غلبه کند بیشتر می شود. برای درمان پرخاشگری گام اول شناخت و ریشه یابی علت یا علل پرخاشگری است. با شناخت این عوامل می توان همکاری های لازم را برای کاستن از میزان و شدت پرخاشگری ارائه نمود؛ مانند سرگرم نمودن فرد مهر و محبت و دلجویی، آموزش تنهایی فکرکردن صبر و متانت، تشویق جهت استحمام، روش گرفتن اجرای عدالت در منزل، برآورده کردن نیازهای کودکان و نوجوانان، مساعد ساختن جو آزادی های کنترل شده جلوگیری از توهین و ناسزا گفتن به آنها ویا مقابله به مثل نکردن با آنها، جلوگیری از تهدید و ترساندن، الگوهای خوب را به آنها نشان دادن رهنمودهایی در مورد سازش و جوشش با دیگران تشویق به بازیهای گروهی و ...

### مفهوم پرخاشگری

پرخاشگری در لغت به معنای ستیزه و تندی کردن آمده و معادل آن در زبان انگلیسی Aggression است اما در اصطلاح روان‌شناسی پرخاشگری یک واکنش عمومی و پدیده نابهنجار اجتماعی است که به قصد آزار کسی یا آسیب رساندن به چیزی ابزار می‌شود. آنچه در این تعریف حائز اهمیت است قصد و نیت رفتار کننده می‌باشد یعنی یک رفتار آسیب‌زا در صورتی پرخاشگری محسوب می‌شود که از روی قصد و به منظور صدمه زدن انجام پذیرد. بنابراین پرخاشگر به فردی اطلاق می‌شود که تمایل به حمله کردن و مبارزه طلبی دارد.

به باور جان‌دالسر<sup>۱</sup>، پرخاشگری همیشه پیامد ناکامی است و ناکامی همیشه منجر به پرخاشگری می‌شود هیچ یک نمی‌تواند بدون دیگری صورت گیرد و هر چیزی که مانع رسیدن به هدف شود ناکامی را سبب می‌گردد و گاهی محیط مدرسه و محل آموزشی می‌تواند تاثیر بسزایی در پرخاشگری کودک داشته باشد و گاهی هم روابط نادرست والدین و روحیه ستیزه‌جویی در بین والدین تاثیر منفی بر روی دانش‌آموزان می‌گذارد و این باعث می‌شود که حتی در پیشرفت تحصیلی و در رسیدن به موفقیت تحصیلی تاثیر منفی بگذارد و افراد ناکام همیشه با کلمات یا رفتار پرخاشگرانه واکنش نشان نمی‌دهند؛ بلکه افرادی طیف وسیعی از واکنشها را نسبت به ناکامی از خود بروز می‌دهند.

صاحب‌نظران حوزه علوم اجتماعی - پرخاشگری به دو دسته تقسیم شده‌اند: فروید (واضع مکتب روانکاو) و لورنز (جانور شناس اتریشی) و گروهی دیگر همچون بندورا ((Bandura) آن را یک رفتار دفاعی آموخته شده و اکتسابی می‌دانند اما محققان با در نظر گرفتن جنبه‌های مختلف این قضیه به دو نتیجه‌گیری دست یافته‌اند:

۱- پرخاشگری نتیجه تعامل پیچیده بین تمایلات و پاسخ‌های آموخته شده است.

۲- پرخاشگری در انسان، حتی اگر هم ذاتی باشد، به شدت تحت تاثیر عوامل اجتماعی قرار دارد.

از طرفی پرخاشگری را رفتاری تعریف کرده‌اند که هدف آن صدمه زدن به خود یا دیگری باشد. آنچه در این تعریف حائز اهمیت است، قصد و نیت رفتار کننده است؛ یعنی آسیب رسانیدن تصادفی به شخص دیگر، پرخاشگری نیست. مثلا اگر توپ فوتبال سهواً به بازیکن دیگر اصابت کند، پرخاشگری نیست اما اگر فردی مخصوصاً بازیکنان را با پا بزند، هل بدهد، تنه بزند و یا فحاشی کند پرخاشگری است. شاید این تعریف کمتر عینی باشد؛ زیرا می‌توان از نیت فرد استنباط‌های مختلفی کرد. علاوه بر این، تعریف شامل رفتارهایی که ما معمولاً بدانها پرخاشگری می‌گوییم نمی‌شود مثلا کودکی که کودک دیگر را از تاب به زمین پرتاب می‌کند تا خود سوار شود، قصد آزار او را ندارد؛ اما دیگران رفتار او را پرخاشگرانه می‌دانند.

در عمل بسیاری از پژوهشگران ترکیبی از این دو تعریف را به کار می‌برند. رفتاری که به دیگران آسیب می‌رساند پرخاشگری نامیده می‌شود، به خصوص وقتی که کودک بداند رفتار او به دیگری آسیب می‌رساند. اعمال خصمانه‌ای که از روی قصد باشد نیز پرخاشگری تلقی می‌شود (ماسن و همکاران، ۱۳۷۶: ۴۲۵). از این رو ارائه تعریفی روشن و دقیق از پرخاشگری همچون تعریف سایر مفاهیم علوم اجتماعی دشوار است

این مشکل از آنجا ناشی می‌شود که همواره نمی‌توان مرز روشن و قاطعی بین رفتارهای پرخاشگرانه و غیر آن ترسیم کرد. به عنوان مثال دقیقا نمی‌توان گفت کدامیک از رفتارهای زیر، نمونه‌هایی از پرخاشگری محسوب می‌شود:

۱- سارقی که به هنگام دزدی با صاحب مال گلاویز می‌شود؛ ۲- مال باخته‌ای که در دفاع از اموال خود با دزد درگیر می‌شود؛ ۳- یک شکارچی که حیوانی را شکار می‌کند؛

۴- بازیکن فوتبالی که پس از شکست از حریف، توپ خود را پاره می‌کند؛ ۵- کودکی که سهواً به پدر خود سیلی می‌زند؛ ۶- فردی که خودکشی می‌کند؛

۷- زنی که از شوهر خود انتقاد می‌کند و به او غر می‌زند؛

رفتارهای فوق هر کدام بخشی از عناصر یک رفتار پرخاشگرانه‌اند؛ اما بین آنها باید تفاوت قایل شد. در برخی یک موجود زنده مورد آسیب قرار می‌گیرد (اعدام یک انسان یا شکار یک حیوان)، در بعضی آسیب به غیر از موجود زنده معطوف می‌گردد (پاره کردن توپ

فوتبال)، در بعضی اوقات گزند ارادی است (مثل شکار) و در برخی مواقع اراده در آن سهمی ندارد (مانند سیلی زدن کودک به پدر). گاه آسیب جنبه روان شناختی دارد (مانند انتقاد و غر زدن) و زمانی رو به خویشتن دارد (مثل خودکشی) و گاه رو به سوی دیگری دارد (مانند بوکسوری که مشت به حریف می زند) و در مواقعی نیز انجام وظیفه را می رساند (مانند انجام وظیفه یک جوخه اعدام).

### انواع پرخاشگری

پرخاشگری هدفی: که در آن پرخاشگری خودش هدف بوده و غالباً با ایجاد درد و هیجان همراه است. وقتی خواهر و برادری با هم دعوا می کنند و به یکدیگر مشت می زنند و یا توهین به افراد، نمونه هایی از این نوع پرخاشگری هستند.

پرخاشگری وسیله ای: این نوع پرخاشگری به دلیل خشم یا برای هیجان ایجاد نمی شود؛ بلکه هدف به دست آوردن پاداشهای مطلوب، همچون پول یا کالای با ارزش است، نه آزار قربانی رفتار، کودکی که کودک دیگر را می زند تا اسباب بازی مورد علاقه خود را به دست آورد، یک بازیکن فوتبال که عملاً به بازیکن تیم مخالف آسیب می رساند تا او را از بازی بیرون کند و احتمال پیروزی تیم خود را افزایش دهد. نمونه ای از پرخاشگری ابزاری یا وسیله ای است.

پرخاشگری ناشی از خشم این: نوع پرخاشگری عموماً با علایم برانگیختگی هیجانی و اغلب ناشی از درد یا ناکامی است. برای مثال اگر دو موش با هم در قفسی جای داده شوند، وقتی به آنها ضربه الکتریکی وارد شود، به یکدیگر حمله می کنند. اگر یک موش باشد به عروسک یا شیء دیگری حمله می کند. در ناکامی، اگر از حیوان گرسنه در رسیدن به غذا جلوگیری شود پاسخ پرخاشگرانه در پی خواهد داشت، کبوتری که آموخته برای دریافت دانه به میله ای نوک بزند اگر از خوردن دانه بازداشته شود به کبوتر دیگر حمله می کند. پرخاشگری ناشی از حس غارتگری یا به خاطر شکار: در این حالت حیوان بدون احساس خاصی به شکار خود حمله می کند. این رفتار تا حدودی نتیجه تقلید و یادگیری است. گربه ای که به طور طبیعی از مادرش یاد گرفته که به موشها حمله کرده آنها را بکشد، کشتن موشها را بدین وسیله یاد گرفته است اما اگر به تنهایی پرورش یابد موشی را نخواهد کشت (فرجی، ۱۳۷۲: ۸۳).

پرخاشگری ناشی از ترس: هر حیوانی که ترسیده باشد وقتی حیوان تهدیدکننده به او نزدیک شود امکان دارد برای دفاع از خود، او را گاز بگیرد (سبین، ۱۹۹۵).

پرخاشگری به خاطر حفظ قلمرو: بسیاری از حیوانات، قلمروی را برای خود تعیین کرده و آن را به صورتهای مختلفی نشانه گذاری می کنند، مثلاً با ادرار کردن روی مرزهای قلمرو. سپس هر عضو نا آشنایی از نوع خود که وارد قلمرو شود تهدید به حمله می کند. اگر حیوان به مکان دیگری انتقال یابد، رفتار پرخاشگرانه ناشی از حفظ قلمرو از او سر زده نمی شود.

پرخاشگری نوع دوستانه: پرخاشگری پرنده ای که از جوجه های خود، یا پستاندار ماده ای که از بچه خود، یا زنبور عسل سربازی که از کندو خود محافظت می کند نمونه هایی از پرخاشگری نوع دوستانه است. مویر (۱۹۸۳) اصطلاح پرخاشگری مادری ۳ را برای توصیف رفتار خشم آلود پستاندار ماده ای که بچه هایش در لانه مورد تهدید قرار می گیرند، به کار برده است.

پرخاشگری ناشی از نر بودن: در بسیاری از انواع حیوانات واکنش نر بزرگسال نسبت به نر نا آشنا خصمانه است. این واکنش با حفظ قلمرو فرق دارد؛ زیرا در هر مکان و موقعیتی ممکن است رخ دهد. محرک فراخوان حمله بوی نر حیوان دیگر است. اگر بوی حیوانات نر به وسیله بوی ماده مصنوعی تغییر کند و یا دستگاه احساس بو با عمل جراحی برداشته شود، حیوانات دیگر به همدیگر حمله نمی کنند. هورمون تستوسترون اهمیت حساسی دارد. حیوانات اخته یا به بلوغ نرسیده، این رفتار را از خودشان نشان نمی دهند. علاوه بر این، پرخاشگری ناشی از نر بودن با رقابت بر سر ماده ها نیز ارتباط نزدیکی دارد زیرا بیشتر در فصل جفتگیری اتفاق می افتد.

### کروموزومهای جنسی و پرخاشگری

در زمان حاضر، بعضی از پژوهندگان برای اینکه اثبات کنند پرخاشگری پایه و مبنای زیستی (بیولوژیک) دارد، به کروموزومهای جنسی اشاره می کنند. گاه یک یا چند کروموزوم به الگوی طبیعی کروموزومها اضافه می شود و به صورت XYY یا XXY در می آید. در نتیجه موجودی پا به عرصه وجود می گذارد که واجد آمادگی بیشتری برای پرخاشگری و بزهکاری است. با تحقیقات انجام شده مشخص گردیده است، مردانی که دارای یک یا چند کروموزوم Y یا X اضافی هستند بسیار پرخاشگراند و در میان مرتکبان جنایتهای خشن در صد بالاتری را تشکیل می دهند. در سال ۱۹۶۶ ریچارد اسپیک که متهم به کشتن هفت پرستار در شیکاگو شده بود، الگوی کروموزومی XYY داشت (کوئن، ۱۳۷۲ : ۱۶۳). پس از کشف این قضیه، پژوهشهای گوناگون در ایالات متحده آمریکا صورت گرفت تا معلوم دارد آیا میان کروموزوم و رفتار پرخاشگرانه رابطه ای وجود دارد یا نه تا این زمان هیچگونه دلیلی دال بر رابطه میان آنها پیدا نشده است.

## بلوغ جنسی و پرخاشگری

زیست شناسان بر این باورند بیشترین تغییراتی که هنگام پرخاشگری در بدن و اعمال آن روی می دهد، همانهایی است که هنگام به کار افتادن امیال جنسی به وقوع می پیوندد. در واقع باید گفت، همانطور که میل جنسی، جانور نر را به جنب و جوش می اندازد و او را متجاوز، تسلط جو یا پرخاشگر می سازد، انسان هم از این قاعده مستثنی نیست. البته تجاوز و پرخاشگری انسان در این مورد غالباً با نرمش، نوازش و ریشخند طرف معاشقه همراه است و این امر خشونت و تجاوز را تعدیل می کند؛ ولی گاهی هم این چاشنی دلپذیر در کار نیست و تجاوز صورتی خشن و آزار دهنده به خود می گیرد که در کسانی که به بیماری دگر آزاری ۴ مبتلایند، عبارت از رفتار انحرافی است که فرد با آزار و شکنجه دادن طرف جنسی خود به کسب لذت نایل می شود. این انحراف جنسی ممکن است Sadism (دگر آزاری ۴) است با حالات خفیف یا شدید همراه باشد. نوع خفیف آن بیشتر در اخلاق و رفتار فرد بیمار دیده می شود. چنین بیماری سعی می کند دیگران را از نظر روانی آزاردیده می شود. این افراد از آزار رساندن و شکنجه دادن طرف معاشقه لذت می برند و احياناً بدون این رفتار خشونت آمیز، که گاه ممکن است منجر به قتل نیز شود، نمی توانند شهوت جنسی خود را ارضا کنند. روانکار انگلیسی درک میلز ۵ عقیده دارد که نوجوانی و بلوغ دوره ناسازگاریهاست و در این دوران نوجوانان ناراحت و مضطرب هستند. البته این عقیده ای است که به آسانی مورد قبول واقع نمی شود؛ اما در بیشتر اجتماعات این نکته مورد قبول قرار گرفته که نوجوانی و بلوغ دوره ای است که طی آن نوجوان به موجودیت و هویت خود پی می برد و این کار برای او معمولاً از راه تضادها و اختلافهای قابل فهم با پدر و مادر و نسلهای قدیمی تر جامعه صورت می گیرد. این تضادها و اختلافات واکنشهای دیگری از جمله سرکشی و نافرمانی و ناسازگاری و پرخاشگری و در مراحل حادثر رفتار نوروتیکی و غیرطبیعی و انواع بزهکاری نوجوانان را به دنبال می آورد.

## نقش رسانه های گروهی و فیلمهای تلویزیونی در آموزش پرخاشگری

رسانه های گروهی در شکل دهی و آموزش رفتارهای گوناگون نقش مهمی به عهده دارند. همان طوری که در نظریه بندورا مطرح شد، یادگیری مشاهده ای و سرمشق گیری از دیگران بخش مهمی از یادگیری های ما را تشکیل می دهد. براساس گزارش مجله اخبار آمریکا و گزارشهای جهان، کودکان آمریکایی روزانه یازده ساعت با ویدئو، تلویزیون کابلی و تلویزیونهایی که بابت هر بار تماشا باید برای آن پول پرداخت، سرو کار دارند. به این ترتیب تلویزیون، قصه گو، له له نصیحت گر، معلم و پدر و مادر بچه ها شده است. کودکان آمریکایی در دوره ابتدایی ۵۰۰۰ ساعت و در پایان دبیرستان ۱۹۰۰۰ ساعت به تلویزیون نگاه می کنند و این ارقام شگفت آور نشانگر زمانی بیشتر از مدت زمانی است که آنها در کلاس درس حضور پیدا می کنند. براساس تحقیق پرایل ۶ (۹۸۱) یک کودک آمریکایی بین ۵ تا ۱۵ سال به طور متوسط بیشتر از ۱۳۴۰۰ صحنه خشونت بار و خرابکارانه را از تلویزیون تماشا می کند.

رسانه های گروهی هر روز بیش از پیش فیلمهای خشن و وحشیانه را به نمایش در می آورند و نوارهایی از همین مقوله را منتشر می سازند. یافته های پژوهشی نشان می دهد که فیلمهای سینمایی، تلویزیونی و ویدئویی از عوامل بسیار مؤثر در کج رویها و بزه کاریهای جوانان هستند. نمایش اعمال خشونت بار، کشتار، جنایت، خون آشامی و نیز صحنه های هیجان انگیز در فزونی و تشدید کج رویها اثر بسزایی دارد. البته باید توجه داشت که همه تماشاگران به اندازه تحت تأثیر فیلمهای بد آموز قرار نمی گیرند؛ بلکه با توجه به آموخته ها و تجربه های پیشین خود برداشتهای گوناگونی دارند. هنگامی که افراد برای تماشای فیلم می روند دارای ضمیری چون داده یا تحقیر نماید. تنبیه های شدید و رفتار خشونت آمیز از معلمان یا والدین نسبت به شاگردان و فرزندان یا شوهرانی که از مضروب کردن همسر خویش چنین احساسی دارند را می توان نمونه ای از این "سادخویی" دانست.

" لوح سفید" نیستند بلکه قبلاً زمینه انفعالی پیدا کرده اند که انتخاب نوع فیلم، خود دلیل اندیشه پیش ساخته آنان است. البته نقش رسانه های گروهی را در کم کردن پرخاشگری نمی توان نادیده گرفت برای نمونه چنانچه عملکرد رسانه های گروهی به شکلی باشد که انتظارات بیش از حدی از نظر اجتماعی و شخصی در مردم پدید آورد که با واقعیات زندگی آنها انطباق نداشته باشد، این مسأله موجب رنجش، تحریک پذیری و توهم خواهد شد و کوتاهترین راه برای پلایش روانی برای فرد، پرخاشگری است. اما اگر رسانه های گروهی واقعیتهای اجتماعی را عرضه کنند و راهکارهای مقابله با ناکامی را به افراد بیاموزند و بتوانند افرادی را به عنوان الگو مطرح کنند که به خاطر شخصیت سالم و پشتکار و ویژگیهای مثبت دیگر، در زندگی خود موفق شده اند می توانند نقش مهمی را در بهسازی جامعه ایفا کنند.

## از خود بیگانگی نوجوان امروز

چندی پیش، مردی در یک اقدام جنون آمیز با به آتش کشیدن خانه اش، خانواده یازده نفری خود را به کام مرگ فرستاد. او در وصیت نامه ای که از خود به جای گذاشت، نوشته بود " انسانهایی احساس شده اند عاطفه از بین رفته و انسانها ماشینی شده اند ...". نویسنده این مطلب خواسته است مفهومی را بیان کند که جامعه شناسان به آن " از خود بیگانگی" ۷ گویند. فروغ فرخزاد با درون بینی شاعرانه خود، ماشینی شدن و مسخ شدن تدریجی انسان امروز را در شعر " دیدار در شب" توصیف می کند و زنده های امروزی را چیزی به جز تفاله یک زنده نمی داند. ۸ و ویرژیل گئورگیو نویسنده رمان ساعت ۲۵ می نویسد: وقتی که انسان با ماشین همانند شود و هویت ماشینی پیدا کند؛ در آن موقع دیگر انسانی در پهنای زمین باقی نخواهد ماند. مهاتما گاندی ۹ تمدن ماشینی را " عصر سیاه" می نامد و می گوید به زعم این تمدن، مادیات تنها هدف زندگی است و در آن کمترین اعتنایی به معنویات نمی شود. این تمدن اروپاییان را دیوانه می کند و ایشان را بنده زر می سازد قلب تمدن جدید ماشین است.

## خشم و اضطراب

«تبلهیم» می گوید هنگامی که کودک را از قید محدودیتها آزاد می سازیم و وارد مدرسه می شود زندگی برایش آسانتر و لذتبخش تر می شود اما در این آزادی او باید با خلق و خواهی متناقض و مکانیزه های درونی مخالفی

- آیا شما که صورتتان را؛ در سایه نقاب غم انگیز زندگی؛ مخفی نموده اید؛ گاهی به این حقیقت یأس آور؛ اندیشه می کنید؛ که زنده های امروزی؛ چیزی به ۸ جز تفاله یک زنده نیستند.

( یا روح بزرگ ( مها، یعنی بزرگ و اتما، یعنی روح ) لقبی است که از طرف ملت هند به گاندی داده شده است. او رهبر و پیشوای سیاسی - M. Gandhi ( ۹) و اخلاقی مردم هند ( ۱۸۶۹ - ۱۹۴۸ ) است.



که وجود دارد سازگار شود. اما او هنوز برای تسلط برچنین تغییر رفتارها و رشد شخصیت بسیار کوچک است بنابراین هنوز تا مدتها نیازمند داشتن تصویر ثابت جهت تقویت احساس ایمنی یا هویت‌گزینی خویش است در غیر این صورت دچار خشم و اضطراب می شود. ژاک بوشار در کتاب کودکان دژمشق در مورد تأثیر محیط خانوادگی و حالت عاطفی می‌نویسد بسیاری از کودکان به هنگام تولد خویش دارای نیم رخ خشم ویژه ای از لحاظ وراثتی هستند اما این شانس را پیدا می‌کنند که در محیط خانوادگی سالمی زندگی کنند. محیطی که در آن عواطف بدون هیچ گونه اختفایی جریان دارد و هریک از افراد عواطف خود را ابراز می دارند دستخوش عواطف دیگری نیست اما همیشه وضع بدین منوال نیست زیرا چه بسا که این محیط دچار ازهم پاشیدگی شود این مطلب تقریباً در ۵۰٪ موارد صادق است مثلاً فقدان پدر و مادر یا وجود ناپدری یا نامادری باعث ایجاد ناملایماتی در کودکان و بروز خشونت به اطراف می باشد. دکترباری در کتاب کلیدهای رویا روئی با پدیده خشونت می‌نویسد: تفاوت خشونت در پسران و دختران در کیفیت آن است نه در میزان و روشهای خشونت‌بار. پسران تمایل بیشتری به خشونت فیزیکی دارند و استفاده از قدرت را روش سریعی برای رسیدن به اهداف خود می‌دانند و از حالت‌هایی مثل هل دادن، پاره کردن لباس و زورگفتن استفاده می‌کنند. اما ناسازگاری در دختران به سختی قابل شناسائی است و از روش های مثل ترساندن طرف مقابل، قهر، شرکت ندادن او در کارهای گروهی خود و دعوت نکردن او به مهمانی یا شایعه پراکنی برای اذیت استفاده می‌کنند.

به جاست در اینجا یکی از نویسندگان (مونتگو، ۱۹۷۶) را ذکر نماییم که می‌گوید؛ ما به یکی دیگر حمله می‌کنیم، آسیب می‌رسانیم و گاهی هم یکدیگر را می‌کشیم در واقع ما با دشنام دادن یا کوشش در جهت بی‌آبرو کردن دیگران به صورت کلامی خشمگین می‌شویم. لوزنر جانورشناسی مشهور سوئدی با وجود آنکه مانند فروید خشم را ذاتی می‌داند برخلاف وی آن را سازنده و مثبت تلقی می‌کند. به عقیده لوزنر خشم بویژه در حیوانات وسیله ای است برای حفظ حریم و قلمرو زندگی و طبیعتاً حفظ حیات موجود زنده او می‌گوید هرگاه فردی در راه رسیدن به هدف ناکام شود این ناکامی بلافاصله واکنش بصورت خشم بدنبال دارد خشم واکنشی طبیعی در برابر ناکامی است بویژه وضعیت قابل مشاهده کودکان که از سنین آغازین کودکی واکنش های پر خاشگرانه دارند، بیانگر همین جنبه های ذاتی خشم است (ترنر و کیلیان، ۱۹۷۰)؛ تأثیر تماشای مسابقات ورزشی بسکتبال و فوتبال میزان خشم در نوجوانان را افزایش می‌دهد ولی با تماشای مسابقات کشتی میزان بروز کاهش یافته است.

### نقش مدرسه

بازرگان و همکاران (۱۳۸۳) فراوانی علل خشونت کلامی را در ۴۹۸ دانش آموز دختر و پسر مدارس راهنمایی شهر تهران و واکنش مسئولین مدرسه در مقابل این پدیده را مورد مطالعه قرار دادند. یافته‌ها نشان داد که خشونت کلامی از سوی دانش آموزان نسبت به یکدیگر و از سوی دیگر معلمان و سایر مسئولین مدرسه نسبت به آنها از فراوانی بالا و قابل توجهی برخوردار است و میزان خشونت در مدارس پسرانه به مراتب بیش از مدارس دخترانه است و پسران بیش از دختران خشم خود را با خشونت بدنی نشان می‌دهند. دانش‌آموزان مهمترین عوامل پدیدآورنده خشونت کلامی در مدرسه را ویژگیهای فردی دانش‌آموز، افت تحصیل، ناتوانی درسی و حجم زیاد کتب درسی می‌دانند. آنها ویژگی های فردی معلمان، شلوغ بودن و جو نامناسب کلاس را موجب خشونت دانش‌آموزان ذکر کردند. آنها معتقدند مسئولین مدرسه معمولاً در مقابل خشونت دانش‌آموزان حق را به معلمان می‌دهند. در سال ۷۸ در شیراز ۸۲ درصد دانش‌آموزان دبیرستانی گفته اند معلم به ماشخصیت نمی‌دهد و این موضوع باعث بروز خشم می‌شود. همچنین یکی از مهمترین دلایل بروز خشم در نوجوانان نسبت به معلمان و اطرافیان را عدم وجود یک شناخت صحیح و درست از دنیای اطراف و نحوه تعاملشان با سایرین است و همچنین یکی از دلایل پر خاشگری دانش‌آموزان در مدرسه حس روکم کنی و ضایع کردن معلمان بوده است.

## نتایج یک تحقیق در مورد علل خشم و ناسازگاری به ترتیب اولویت در مدارس :

### ۱- در مدارس دخترانه

- رعایت نکردن بهداشت
- مطالعه نکردن دروس
- مبادله عکس و فیلمهای غیرمجاز
- توجه نکردن به سخنان معلمان و مدیران و معاونین
- تخریب و اسراف اموال مدرسه
- دعوا و رفتارهای زنده بدن
- غیبت غیرموجه

### ۲- در مدارس پسرانه

- دعوا و رفتارهای خشونت آمیز
- تخریب اموال مدرسه
- توجه نکردن به سخنان معلمان و هنگام تدریس
- مبادله فیلمهای مبتذل و ویدئویی
- غیبت غیرموجه و مطالعه نکردن دروس

## نقش مذهب در کاهش پرخاشگری

رفتار دینی انسانها حاکی از آن است که بشر در طول تاریخ نیازمند به دین بوده و حریم خاص و مشخصی را برای انجام فرایض خود اختصاص داده است. اسلام دین صلح و آرامش است و در آیین و قالب آیات الهی، روایات و احادیث، پیروان این دین به حسن خلق، آرامش و صلح جویی دعوت شدهاند. وانگهی، جامعه جهانی با بزرگترین تهدید، یعنی پرخاشگری از نوع ساده لفظی تا انواع فیزیکی آن و در نهایت، ترور و روبروست. با علم به اهمیت این پدیده، جا دارد تا رفتار و تمایلات پرخاشگرانه در انسانها مورد مطالعه قرار گیرد.

سؤال عمده‌ای که وجود دارد این است: آیا شرکت در مراسم مذهبی در قالب حضور در مکانهای مقدس، نظیر مساجد، می‌تواند ارتباطی با کاهش پرخاشگری داشته باشد؟ از آنرو که از مساجد به عنوان پایگاهی مستحکم در جهت برگزاری آداب مذهبی و نیز فراهم آوردن یک کانون حمایت اجتماعی در کنار برگزاری مراسم مشترک مذهبی یاد می‌شود. با تحقیق و بررسی در کتب اسلامی، مقالات و مجلات درمی‌یابیم که مانند همه وجوه زندگی، کامل‌ترین دستورات و توصیه‌ها و الگوهای نمونه اخلاقی در اسلام و تاریخ اسلامی وجود دارد. روح و محتوای فرهنگ دینی ما بر پایه ارتباط، صمیمیت، تعاون، همدردی و عاطفه استوار است، به گونه‌ای که در همه جا انسانها به آرامش و دوری از پرخاشگری توصیه شده‌اند. جلوه‌های این فرهنگ بالنده نیز در دستورالعمل‌های اخلاق اسلامی دیده می‌شود و همواره مساجد در طول تاریخ اسلام پایگاهی برای تبلیغ ایجاد آگاهی در مورد این مسائل بوده است. شرکت در مراسم مذهبی می‌تواند نقش مؤثری در جلوگیری از ابتلا به مشکلات روانی فرد داشته باشد. انجمن آموزش از کشیشان تمام مذاهب خواسته که نقش مؤثری در کمک به بیماران روانی داشته باشند و در مبارزه با ناهنجاریهای ناشی از بیماریهای روانی پیشقدم باشند. این امر برای متخصصان بهداشت روان نیز مهم است که اعتقادات و مراسم مذهبی مراجعانشان را بشناسند و از آن به عنوان یک منبع جایگزینی مهم و حمایتی استفاده کنند. اسلون و همکارش امیلیاگیلیا که در مرکز بهداشت دانشگاه کلمبیا کار می‌کنند، با بررسی‌هایی که انجام دادند، بر تأثیر مکانهای مذهبی در کاهش پرخاشگری آرامش روانی افراد تأکید کرده‌اند.

طبق مطالعات دانشگاه دوک، عبادت با روحیه بالاتر، آشفستگی کمتر، احساس تنهایی کمتر و ناراضی‌تری کمتر از زندگی و توانایی بیشتر در سازگاری با فشارها رابطه دارد. همچنین مطالعه کارولینای شمالی نشان داد که هر چه افراد در فعالیت‌های مذهبی مشارکت منظم‌تری دارند، از سلامتی بیشتری برخوردارند. مطالعه مذهب کاتولیک نشان می‌دهد که عبادت مرتب و مکرر، روی سلامت فرد تأثیر می‌گذارد و این نوع عبادت سلامت روان فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. طبق بررسی‌هایی که در کلینیک «میو» انجام شده، رابطه مثبت بین شرکت در مراسم مذهبی و کاهش اختلالات رفتاری از جمله پرخاشگری تأیید شده است.

با توجه به صنعتی شدن جوامع و افزایش محرکهای استرسزا شاهد افزایش روزافزون رفتارهای ناهنجار از جمله پرخاشگری هستیم. پرخاشگری از عواملی است که آثار مخربی در روابط اجتماعی به جا می‌گذارد. با توجه به پیشینه مطالعه درمی‌یابیم که شرکت منظم در آداب مذهبی می‌تواند نقش مؤثری در جلوگیری از ابتلا به مشکلات روانی فرد از جمله پرخاشگری داشته باشد.

در تحقیقی که استورچ (۲۰۰۲) بر روی گروهی از ورزشکاران دانشجوی انجام داد، به این نتیجه رسید که ورزشکارانی که به طور منظم و هفتگی به کلیسا رفته‌اند رفتارهای پرخاشگرانه کمتری را در طی مسابقات ورزشی از خود بروز داده‌اند. همچنین چنین به نظر می‌رسد افرادی که دفعات بیشتری به مسجد می‌روند پایبندی بیشتری برای حضور در مراسم مذهبی دارند. این افراد طی هر مرتبه حضور خود این رفتار مثبت را مرتباً در خود تقویت می‌نمایند. از این‌رو، فرصت بیشتری برای مستحکم‌تر کردن اعتقادات مذهبی، تعامل با دیگران، افزایش صبر و سازگاری با دیگران را دارند. در نتیجه، سیکل تفکر مثبت و اعمال مذهبی مکرر با حضور بیشتر در مسجد و فضای معنوی آن تکرار می‌شود. بنابراین، میزان پرخاشگری در این افراد کمتر است.

با توجه به نتایج تحقیقات می‌توان چنین دریافت که شرکت در مساجد و... نقش مهمی در کاهش پرخاشگری به عنوان یک معضل اجتماعی مهم دارد. مراجعه به مسجد و شرکت در آداب مذهبی مشترک آثار روانی فردی و اجتماعی مهمی به همراه دارد. مسلمانان در مساجد علاوه بر انجام فرایض دینی خود به نوعی ارتباط سالم و عاطفی با دیگر افراد جامعه دست می‌یابند. ایجاد حس همدلی، نودوستی، رفع مشکلات دیگران و رعایت حقوق دیگران، با حضور در مسجد میسر می‌شود. انجام فرایض دینی به طور مشترک احساس همبستگی و صمیمیت بیشتری بین افراد ایجاد می‌کند و افراد با مراجعه به مسجد آرامش روانی بیشتری یافته، در برخورد با مشکلات صبر و تحمل بیشتری پیدا می‌کنند و به ندرت رفتارهای پرخاشگرانه از خود بروز می‌دهند. از این‌رو، می‌توان فعالیت مسجد را از وضعیت کنونی گسترده‌تر ساخت و از این پایگاه به عنوان یک کانون فعال برای ارتقای آرامش روانی و کاهش ناهنجاریهای اجتماعی استفاده کرد. استفاده از مساجد برای فعالیت‌های اجتماعی و فراگیری مهارت‌های زندگی در کنار برگزاری فرایض دینی، مستلزم تبلیغات



بیشتری است. باید شرایطی در جامعه فراهم شود که همه افراد در سنین و مشاغل بتوانند فرایض دینی خود را به صورت دسته‌جمعی در مساجد برگزار نمایند. از این‌رو، ضروری است که به موضوع نقش مساجد در پیش‌گیری و کنترل بسیاری از ناهنجاریهای اجتماعی به عنوان یک موضوع عمده در سطح کلان تصمیم‌گیری نگریسته شود و در این رابطه تصمیمات لازم با همکاری نهادهای مربوط انجام و اجرا شود.

عوامل بروز پرخاشگری کودکان و نوجوانان

پرخاشگری کودکان و نوجوانان در نهاد خانواده، علل و انگیزه‌هایی دارد که به طور اجمال می‌توان به موارد زیر اشاره کرد :

### خشونت خانوادگی :

امروز تجربیات و مشاهدات عینی از ظهور و شیوع پدیده به تبع شدت گستره و مداومت آن از آشفتگی‌های عاطفی و روانی اعضای خانواده حکایت دارد. کودکانی که در خانواده شاهد خشونت‌اند استفاده از این پدیده را برای رفع اختلافها مقبول تلقی می‌کنند. در جریان یک رشته بررسی کودکان الگوی زنده‌ای را دیدند که نسبت به یک خرس عروسکی پرخاشگری می‌کرد. سپس شرایط مهیا شد تا با خرس بازی کنند. کودکان هر چیزی را که مشاهده می‌کردند با آن خرس انجام می‌دادند اگر رفتار پرخاشگرانه را شاهد بودند پرخاشگری می‌کردند و اعمال مثبت و سازنده‌ای می‌دیدند همان اعمال را تقلید می‌کردند بنابراین در خانواده‌هایی که یکی از والدین یا هر دو خشونت‌طلب و پرخاشگر باشند کودکان مخصوصاً پسرها، پرخاشگر بار می‌آیند ۱۰.

### گسستگی کانون خانواده

از دیگر مولفه‌های مهم در ایجاد پرخاشگری فرزندان، گسستگی شدن پیوندهای عاطفی میان اعضای خانواده است. وجود درگیری و نزاع در محیط خانواده سبب می‌شود که کودک امنیت خود را از دست رفته ببیند. ۱۱ همچنین در بسیاری از خانواده‌ها پدر و مادر حضور فیزیکی دارند، اما متأسفانه حضور واقعی آنان برای فرزندان به دلایلی محسوس نیست. در برخی خانواده‌ها نیز پدر و مادر یا هر دو به عللی همچون طلاق و مرگ و میر نه حضور ظاهری دارند و نه حضور واقعی. تحقیقات نشان داده است که در صورت مرگ پدر در سنین کودکی فرزند و نبودن الگوی همانند سازی برای پسران میزان پرخاشگری آنان در حد بالایی افزایش می‌یابد. ۷۵ درصد از پسران پرخاشگر از وجود پدر محروم بوده یا الگوی فردی برای یادگیری نداشته‌اند ۱۲.

### وجود تضاد در دستورهای والدین

عامل دیگری که باعث بروز پرخاشگری در کودک می‌شود، وجود تضاد در اوامر و دستورهای والدین است، بدین معنا که پدر یا مادر، فرزند را به انجام کاری فرمان می‌دهد ولی بلافاصله او را از انجام دادن آن باز دارد یا بر عکس کاری را که قبلاً برای او تحریم کرده است تجویز کند و دوباره تحریمش نماید. این بی‌دقتی در ارجاع وظیفه کودک را مردد و نگران می‌سازد و سبب می‌شود که رفتار ضد اجتماعی پرخاشگری در او بروز کند.

## ناهماهنگی در پیگیری یک روش تربیتی

بعضی از والدین دائما در حال تغییر برنامه های تربیتی کودک خودند. این ناهماهنگی در برنامه ها به مرور باعث و خیم شدن مشکلات رفتاری فرزند می گردد. اگر قوانین خانه هماهنگ و ثابت نباشد کودک متوجه می شود که گاهی اوقات می تواند قوانین را زیر پا بگذارد و نافرمانی خود را تقویت کند و سرانجام در برابر تغییرات مقاومت نماید. لذا هر زمانی که تصمیم گیرد می توان تشویق ها و جریمه هایی را که در خانواده مشخص گردیده است نادیده بگیرد و پرخاشگری خود را تقویت کند. ۱۴

## فشار روانی (استرس)

هرتغییری که روال زندگی روزمره را متشنج کند عامل ایجاد استرس خواهد بود. کودکان نسبت به فشارهای روانی به شدت آسیب پذیرند. بسیاری از کودکان پرخاشگر زمینه های فشار روانی خانواده و زور گویی آنها را دارند. متغیرهای استرس آور برای کودکان عبارتند از: وجود داد و فریاد در خانه، مشاجره دائمی با خواهر یا برادر، نداشتن اوقات خوش و سرگرم کننده در کنار والدین، تکالیف آموزشی فراوان و ... لذا کودکان تحت تاثیر چنین شرایطی تحریک پذیر و ناسازگار می شوند و رفتار مقابله جویانه از خود بروز می دهند.

## عدم تشویق رفتارهای مناسب

در خانواده هایی که فرزندان نافرمانی، پرخاشگری و رفتار مقابله جویانه از خود بروز می دهند مشخص گردیده است که توسط والدین هیچ گونه توجه و تشویقی برای رفتار خوب فرزند صورت نمی گیرد بنابراین کودک هم دلیلی برای ارائه رفتار خوب ندارد، زیرا می داند که پدر و مادر پاسخی به این رفتار وی نمی دهند و در عوض همیشه به رفتار نادرست و نامناسب او با عصبانیت و خشنونت پاسخ می دهند، بنابراین کودک هم برای جلب توجه آنها حتی توجه منفی، شروع به نافرمانی و پرخاشگری می کند. ۱۵

## تشویق رفتارهای نامناسب

بسیاری از والدین ناآگاهانه کاری می کنند یا حرفی می زنند که باعث تشویق رفتار نامناسب فرزند خود می گردند. به عنوان مثال گاهی اوقات والدین به نافرمانی کودک می خندند یا هنگام صحبت با دیگران ناگهان حرف خود را قطع می کنند تا به سخنان فرزند خود توجه نمایند. در موارد دیگر والدین به قشقرهای کودک با یک بوسه یا بغل کردن پاسخ می دهند یا هنگامی که کودک در یک فروشگاه شروع به گریه و زاری می کند برای او شکلات یا خوراکی می خرند. در همه ی این موارد خنده والدین و توجه و پاداش آنها باعث تقویت رفتارهای نامناسب کودک می شود در این صورت کودک یاد می گیرد که اگر مقاومت یا اعتراض نماید می تواند به خواست خود برسد.

## اختلاف والدین

هنگامی که در والدین بین زن و شوهر اختلاف وجود دارد فرزندان دچار مشکلات عاطفی-هیجانی شده در انتخاب فرد مقصر و بی گناه دچار نوعی سر در گمی می گردند. در این میان والدین فرزندان خود را به قضاوت می خوانند یا هر یک سعی می کنند دیگری را متهم کند که او عوامل اختلاف است. کودک یا نوجوان که به هر دو علاقمند است و در عین حال آمادگی کافی ذهنی برای پذیرش بعضی از مسایل را ندارد، در بین کشمکش والدین به دو جهت مختلف سوق داده می شود تا این که به پشتیبانی یکی برخاسته دیگری را نفی می کند و در این صورت مورد غضب طرف مقابل قرار می گیرد یا هر دو را مقصر می داند که در این صورت به طور کامل طرد می شود. بدین ترتیب در انتخاب سرگردان است و در واقع مایل به انتخاب گناهکار یا بی گناه نیست. او هر دوی آنها را دوست می دارد و می خواهد در محیط آرام و بی جنجالی زندگی کند و چون از چنین محیطی محروم می گردد برای فرار از نزاع های دائمی منزل برای خود راهی نظیر: فرار از منزل، لجبازی و پرخشگری انتخاب می کند به طوری که با قوانین و جامعه هر دو ستیز می کند..

## نقش کمبود محبت

مهر و محبت در تکوین شخصیت هر فرد تاثیر بسزایی دارد و محرومیت عاطفی موجب بروز اختلال در رفتار می گردد. تحقیقی که در غرب درباره بزهکاران انجام شده است نشان می دهد که ۹۱ درصد مجرمان در ارتباط با ارتکاب جرم به نحوی دچار مشکل عاطفی-هیجانی بوده اند.

رشد عاطفی با ارضای متعادل نیازهای عاطفی به وجود می آید. اهمیت رشد عاطفی در این است که می تواند زیر بنای رشد اجتماعی باشد کودک با هر سطحی از رشد عاطفی در خانواده، وارد جامعه شود به همان اندازه می تواند در محیط اجتماعی سازگاری خود را حفظ کند. عدم رشد عاطفی کودک را در محیط و در مناسبات اجتماعی دچار مشکل می سازد. کودکی که از لحاظ عاطفی در محیط خانواده مشکل دارد با هر محرک کوچکی برانگیخته می شود و پرخاشگری می کند لذا وقتی وارد اجتماعی می شود نمی تواند با هر موقعیتی خود را سازگار سازد. چنین فردی به راحتی مناسبات اجتماعی خود را بر هم می زند و رفتاری از خود نشان می دهد که علامت عدم رشد وی در بعد اجتماعی است و ارضای متعادل نیاز به محبت رد عاطفی را در کودک هموار و تسهیل می کند.

کودکی که از لحاظ عاطفی در خانه رشد یافته است محبت را بیرون از خانه جست و جو نمی کند زیرا خانواده را کانون محبت و محل کسب امنیت روانی می بیند. در مقابل کودک یا نوجوانی که نیاز محبت او در خانواده ارضا نمی شود کمبود محبت را در بیرون از خانه جست و جو می کند و ممکن است به انواع رفتارهای نابهنجار یا مکانیزم های دفاعی متوسل شود که یکی از آن ها پرخاشگری است.

## تنبیه و سهل گیری

بعضی از روش های فرزند پروری با پرخاشگری کودکان رابطه دارد که مهمترین آنها عبارت است از: سهل گیری و تنبیه کردن. فرزندان پدر و مادرهای سهل گیر معمولا پرخاشگر می شوند. علاوه بر این پدر و مادرهایی که فرزندشان را تنبیه می کنند نیز پرخاشگری دارند. بیشترین پرخاشگری به کودکانی تعلق دارد که والدینشان به طور هم زمان آنان را تنبیه می کنند و سهل می گیرند. اگر والدین اجازه دهند که فرزندشان تکانه های پرخاشگرانه اش را تخلیه کند فرزند تصور خواهد کرد که این کار مقبولی است و اگر هم پرخاشگری او را به شدت تنبیه کند ناکامی و عصبانیت را در او ایجاد می کنند که خودش زمینه ساز پرخاشگری بیشتر می شود. پدر و مادرها غالبا رفتار فرزند پرخاشگر خود را به خوبی زیر نظر نمی گیرند و نظارت تربیتی یکنواختی بر وی ندارند. این والدین برای هر تخلفی فرزندشان را تنبیه بدنی می کنند و در دسرهای بیشتر از سوی فرزندشان را پیش بینی می کنند ۱۸

## پیشنهادها و راه حل ها :

۱- به نظر ما خانواده ها اولین و اساسی ترین نقش را در کنترل خشم در کودکان و نوجوانان دارند پس کمک به خانواده ها و آموزش اولیاء و ضروری است. آگاه سازس خانواده ها نسب به نقش خطیرالگو بودن برای فرزندان

می توان در کنترل خشم در نوجوانان مؤثر باشد و آموختن روشهای پیشگیری از بروز خشم در نوجوانان باید بخشی از برنامه های آموزشی مدارس راهنمایی باشد .

۲- توجه، قدردانی، برخورد مناسب و پذیرش دانش آموز از طرف معلم می تواند باعث کنترل خشم در آنها شود معلمانی که هیچ شناختی از ویژگی های روانی و جسمانی دانش آموزان ندارند بدترین آسیب های روانی و رفتاری را به نوجوانان وارد کرده اند.

۳- ارائه آموزش در زمینه مهارتهای ارتباطی برای همه دانش آموزان مفید است. اگر نوجوانان وجود تعارض در زندگی را به عنوان امری عادی و اجتناب ناپذیر بپذیرند و مهارتهای لازم را برای مدیریت آن فراگیرند می توانند رابطه بهتری باهم در مدرسه برقرار کنند. آموزش مهارتهای حل تعارض و میانجیگری به دانش آموزان موجب کاهش خشم و پرخاشگری در دانش آموزان می شود.

۴- تشکیل دوره های ضمن خدمت برای کارکنان مدارس در خصوص روانشناسی - رشد تربیتی و فلسفه تعیم و تربیت ، لازم است برای معلمان آموزشی در جهت تقویت مهارتهای ارتباطی و فراگیری مهارتهای مشاوره تشکیل گردد مثلا جلب همکاری دانش آموزان برای کاهش خشونت در خانه و مدرسه از روشهای است که

در این دوه های آموزشی می توان بدان پرداخت .

۵- استفاده از حداقل امکانات به منظور انجام مسابقات در زمینه های مختلف ورزشی ، علمی و اعتقادی می تواند خشم را در نوجوانان کنترل کند.

۶- با توجه به تأثیر مذهب بر ناهنجاریها ضروری است ، خانواده، مدرسه ، با تقویت ارتباط خود و وسایل ارتباط جمعی و نشریات از طریق پیامهای خود در طرز تفکر و رفتار دانش آموزان مؤثر واقع شوند. اگر پیامهای این رسانه ها به سمت ارزشهای مذهبی جامعه گرایش پیدا کند - می تواند در جهت تربیت دینی نسل جوان مؤثر افتد.

۷- در محیط آموزشی با تشویق دانش آموزانی که رفتارهای متناوب باهنجارها ارزشهای مورد انتظار را دارا هستند و تنبیه متناسب دانش آموزانی که فاقد چنین شرایطی هستند. می توان رفتار دانش آموزان را کنترل نمود.

۸- تشکیل جلسات فوق برنامه و ارائه نتایج حاصل از رفتارهای ناهنجار ناشی از خشم و همچنین تشکیل جلسات پرسش و پاسخ با حضور والدین در محیطهای آموزشی به منظور ارتقاء آگاهی خانواده نسبت به سالم سازی محیط خانواده.

۹- برقراری یک خط مشی رفتاری در مدرسه به صورت تدوین مجموعه ای از قوانین و مقررات روشن در مورد رفتار در مدرسه که با توجه به نیازها و الزامات و انتظارات دانش آموزان معلمان والیاء و با مشارکت فعالانه آنان طراحی شده باشد به نحوی که نظر همه افراد در آن

ملخوط شده و در آن رفتارهای قابل پذیرش و غیرقابل پذیرش مشخص شده باشد باعث می شود که دانش آموزان و معلمان باشناخت بهتر اهداف و انتظارهای مدرسه رفتار و اقدامات خود را با انتظاراتها هماهنگ نمایند. بدون شک محیطی که بازدارنده رفتارهای خشونت آمیز و تشویق کننده رفتارهای مطلوب در مدرسه باشد ابراز خشم را در رفتار نوجوانان محدود می نماید.

۱۰- ارتقاء سطح آگاهی دانش آموزان در زمینه چگونگی انتخاب دوست و آگاه نمودن والدین در کمک به نوجوانان در انتخاب گروه دوستی خود و کنترل روابط آنان با دوستانشان.

۱۱- تقویت منابع کتابخانه ای در مدرسه بویژه کتابهای علمی - تخیلی و کتابهایی در ارتباط با مسائل نوجوانان در مدرسه و آگاه کردن آنها در زمینه کنترل خشم خود.

۱۲- شوخی کردن، برخی از متخصصان معتقدند با استفاده از موقعیتی خطرناک می توان گریخت و خشم خود را کنترل کرد اما استفاده از این روش نیاز به مهارت دارد. کودکان فاقد چنین خصیصه ای در واقع افراد قربانی هستند.

۱۳- گفت و گو کردن، کودکانی که قدرت بیان خوبی دارند، می توان آنها را مجبور کرد که در مورد دلایل خشم خود حرف بزنند و راه حل پیدا کنند.

هیچ یک از راه حل های پیشنهادی شده، بهتر از دیگری نیست و به تنهایی کاربرد ندارد کارئی هریک از آنها به روحیه هر فرد و موقعیتی بستگی دارد که فرد در آن قرار می گیرد و همچنین به توانائی مربیان، اولیاء و مربیان در جهت برطرف کردن این پدیده نیز بستگی دارد. به طور کلی خشم بیشتر عامل بیرونی دارد و فقط در موارد خاصی به علل درونی مربوط می شود والدین در درجه اول بایستی محرک های محیطی را که باعث تحریک خشم و ایجاد خشونت در فرزندانشان می شود را شناسایی نمایند با توجه به محرکهای محیطی تأثیرانکارناپذیری دارند و در واقع نمی توان علت و انگیزه ی آن را کاملا به عوامل شخصیتی برخورد صحیح مربیان می تواند در کنترل خشم در نوجوانان مؤثر باشد.

### انواع رابطه معلم و شاگرد:

عوامل درون آموزشی همانند شیوه برخورد معلم، مدیر، الگوی برخورد روابط بین دانش آموزان و مقررات مدرسه محیط مدرسه نامیده می شود (ابراهیمی، ۱۳۷۷، ص ۱۱). وقتی معلم در کلاس از شیوه آمرانه استفاده می کند، دانش آموزان نسبت به کلاس و انجام دستورات معلم نوعی مقاومت درونی نشان می دهند، در این موقعیت دانش آموزان نه تنها از معلم تنفر پیدا می کنند بلکه از درس معلم و همچنین رشته تحصیلی خود و مدرسه بدشان می آید (مختاری، ۱۳۷۹، ص ۶۴).

وقتی که معلم مانند یک دیکتاتور کلاس را اداره می کند، جو عاطفی کلاس به هیچ وجه برای رشد و تربیت بچه ها مساعد نیست. آنچه معلم می گوید مطلقاً صحیح است و آنچه شاگردان اظهار می دارند، غلط و بی پایه تلقی می شود. بچه ها بدون چون و چرا دستورهای معلم را به معرض اجرا می گذارند یا به سخنان او گوش می دهند. در چنین جوی شاگرد مورد احترام نیست و علاقه، استعداد، احتیاجات و ویژگی های فردی شاگردان مورد توجه قرار نمی گیرد. در چنین وضعیتی شاگردان ظاهراً آرام هستند ولی واقعا در هجان و اضطراب به سر می برند و به صورتهای مختلف در مقابل معلم مقاومت می کنند و موجبات ناراحتی او را فراهم می سازند. (مهبادی ۱۳۷۷) به نظر می رسد در چنین کلاسهایی به تدریج از علاقه کاسته شود.



به نظر اسپالدینگ اولین هدف معلم باید برقرار کردن رابطه ای مطلوب دوستانه و حمایت کننده با دانش آموزان باشد. چنین هدفی فقط با تعامل میان معلم و دانش آموز حاصل می آید. چند روز اول مدرسه اولین دیدارهای دانش آموزان با معلم از این نظر بسیار مهم هستند. در روزهای اول به دانش آموزان باید نشان داد که به آنها علاقه دارید و می توانند به شما اعتماد کنند. هدف اصلی در واقع آن است که معلم باید به عنوان فردی بالغ و قابل اعتماد برای دانش آموزان مطرح گردد. (اسپالدینگ، ۱۹۹۶)

در تحقیقی با عنوان بررسی شیوه های مختلف تعامل بین دانش آموز و معلم و ارتباط آن با علاقه به کلاس درس نتایج زیر بدست آمده:

۱- روابط خوب بین معلم و دانش آموز بر پیشرفت تحصیلی فراگیران نقش بسیار مهمی دارد. (پیشرفت وانگیزش پیشرفت با هم ارتباط نزدیک دارند)

۲- میزان ارتباط (تعامل) دانش آموز با معلم با توجه به جنسیت آنها متفاوت میباشد. (ژاله رضایی، ۱۳۷۲)

در تحقیق دیگری با عنوان بررسی و تاثیر جو روانی اجتماعی کلاس و پیشرفت تحصیلی نتایج زیر بدست آمده: میزان انتظار از جو کلاس، هم برای معلمین و هم برای دانش آموزان، بالاتر از میزان ادراک شده است. نتیجه دیگر آنکه رابطه بین ادراک و انتظار دانش آموزان با پیشرفت تحصیلی در سال و رابطه بین ادراک دانش آموزان با پیشرفت تحصیلی در سطح ۱٪ معنی دار و مثبت است؛ به هر حال با توجه به مطالب فوق این نکته مشخص می شود که رابطه معلم و دانش آموز در پیشرفت تحصیلی وی مؤثر است، لازم به تذکر است که پیشرفت تحصیلی و علاقه به کلاس و داشتن مدرسه ای مطلوب در ارتباط تنگاتنگ هم هستند.

### نقش اثر فردی معلم در داشتن مدرسه ای مطلوب:

شواهد موجود حاکی از اهمیت هشت ویژگی خاص معلمان است:

- حس اثربخشی فردی حرفه ای ● حس اثربخشی جمعی حرفه ای ● رضایت شغلی ● تعهد سازمانی ● سطح استرس و فرسودگی شغلی ● روحیه ● تعامل در مدرسه ● دانش محتوای آموزشی.

تحقیقات گسترده نشان می دهد که اثرگذاری فردی معلمان نه تنها بر عملکرد خود معلم بی تاثیر نمی باشد بلکه بر دانش آموزان نیز تاثیرگذار است، مدارک و شواهد برای بررسی این مورد توسط ۱۶ مطالعات تجربی ارائه شده است (بین سال های ۱۹۷۶ تا ۲۰۰۱، منتشر شد) (لیتود، ۲۰۰۶، ص ۲۲).

بعد از پدر و مادر، معلم تاثیرگذار و بانفوذترین فرد در نزد کودک است. دانش آموزان دوره ابتدایی، شیدا تحت تاثیر معلم خود قرار دارند و از رفتارش تقلید می کنند. دانش آموز معلم را شخصیتی محترم و مختار می داند. معلم با روح و جان دانش آموز سروکار دارد و به عنوان یک الگوی محبوب از سوی او پذیرفته می شود. کودکان به شخصیت الگوهای محبوب خود یا رفتار معلم توجه داشته، آنها را مدنظر قرار می دهند و تاثیرپذیری و همانندسازی می کنند. معلم باید با روحی سرشار از صداقت، صفا، علاقه، محبت و ایمان به حرفه خود، موجبات رشد و خوشبختی کودک را فراهم آورد. معلم دانا و آگاه به امور تربیت می کوشد با نفوذی که در شاگرد دارد او را به سوی هدف مطلوب سوق دهد و صفات نیکویی در او به وجود آورد. معلم تلاش می کند در پرورش ذهنی بر طفل فشاری وارد نیاید و به قیمت خسته کردنش مجبور نشود او را فردی برتر پدید آورد (نیکنام، ۱۳۸۶)؛ ایجاد امنیت خاطر در فراگیران و فضایی آرام و با

روحیه‌ای شاد و فعال در کسب ارزشها و اندوختن تجربیات و اعمال روش آزاد منشانه با روحیه باز و سخاوتمندانه از وظایف معلمان است به طوری که امنیت خاطر فرد در آن تأمین شود و با گزینش آگاهانه ارزشها، زمینه شکل‌گیری شخصیت کودکان فراهم شود (همان منبع).

رابطه بین اثربخشی معلم و درآمدادام العمر دانش آموزان از روابط جالب توجه محسوب می‌شود، که بر مبنای تجزیه و تحلیل توسط اریک هانوشک، منتشر شده در تابستان ۲۰۱۱ می‌توان این نتیجه‌گیری را کرد که: دانش آموزانی که معلمان خود را مؤثرتر می‌دانند احتمالاً پول بیشتری نسبت به دانش آموزانی که معلمان آنها کمتر مؤثر هستند در آینده بدست خواهند آورد؛ او ادعا می‌کند که تأثیر اقتصادی که معلم می‌تواند داشته باشد شگفت‌آور است. "ارزش نهادن به معلمان" در تابستان ۲۰۱۱ (نقل از ولدون، ۲۰۱۱). برخی از معلمین فداکار توانایی این را دارند که در محروم‌ترین مناطق دانش آموزان را به فراگیری مطالب تشویق نمایند، آوالوس (۱۹۸۶) در این زمینه مطالعاتی در چهار کشور آمریکای لاتین انجام داده است و آنان را گل‌های سرخ فرهنگی نامیده‌اند. لیکن مطالعات بیشتری نیاز است تا بتوان شیوه کار معلمان، رفتار، شخصیت که همگی زیرمجموعه‌هایی از داشتن کلاس درس مطلوب (چه غیرمستقیم و چه مستقیم) به حساب می‌آید.

پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تا حدود زیادی بستگی به شرایط محیطی و نحوه برخورد معلمان و اطرافیان دارد. فضایی که نوجوانان در آن پرورش می‌یابند باید به گونه‌ای باشد که موجب موفقیت آنها گردد. برخورد معلم باید منطقی بوده تا دانش آموز را در مسیر موفقیت قرار دهد و دانش آموز اعتماد به نفس پیدا کند و از خود انتظار موفقیت داشته باشد زیرا موفقیت هم چون نردبانی است که وقتی شروع شد تا آخرین پله ادامه می‌یابد.

بنابراین می‌توان گفت رابطه معلمان و شاگردان و مسئولان دیگر دبیرستان می‌تواند موفقیت دانش آموزان را تحت تأثیر قرار دهد و از ترک تحصیل جلوگیری کند. برخورد معلم و اولیای دبیرستان باید به گونه‌ای باشد که دانش آموز از طریق دستکاری اشیا آزمایش جمع‌آوری اطلاعات، خلق کردن مباحث و مشارکت در کارهای گروهی گوش دادن خواندن و اکتشاف به تجربه یادگیری بپردازند و بدین وسیله از ترک تحصیل دانش آموزان جلوگیری نمایند.

همچنین در مطالعه‌ای تجزیه و تحلیل رگرسیون مشخص می‌کند که تجهیزات کلاس درس، به طور واضح اثر مثبتی هم بر علاقه دانش آموزان به کلاس درس و نیز تأثیر مثبتی بر کار معلم نیز دارد، بهبود تجهیزات یا کتاب‌های درسی و در نتیجه ممکن است در واقع یک ابزار با ارزش، و به طور کلی قابل اجرا به منظور بهبود کیفیت آموزش و پرورش باشد (میچالو، ۲۰۰۲). شواهد موجود دیگری حاکی از یک اثر غیر مستقیم قابل توجهی از رضایت شغلی در یادگیری دانش آموزی باشد. به عنوان مثال، مطالعه ۲۲ استراف، ۱۹۹۲ با یک نمونه بزرگ از معلمان (راهنمایی، متوسطه) نشان می‌دهد که: شرایط و جو در کلاس درس با رضایت شغلی معلم در ارتباط است. همان طور که مشهود است مطالعه‌ای روشنی که بتوان در آن مدرسه‌ای مطلوب براساس عملکرد دانش آموزان را در ارتباط دانست یافت نمی‌شود اما تحقیقات به صورت غیر مستقیم به این مقوله‌ها با اسمی دیگری همچون تأثیر رابطه معلم با دانش آموز بر کارایی مدرسه، تأثیر امکانات آموزشی بر داشتن مدرسه‌ای مطلوب، رابطه کلاس مطلوب با تعداد دانش آموزان یک کلاس (یک امر مرتبط با یادگیری) و غیره... صحبت شده است؛ هرچند هدف این مقاله نیز بیان گونه ارتباطات نیست.

## فهرست منابع:

- ۱) گاجل، رابرت جی و دیگران، ۱۳۷۷، زمینه روان شناسی تندرستی، مترجم غلامرضا خویی نژاد، آستان قدس رضوی، چاپ اول.
- ۲) علیزاده، ابراهیم و رضایی، علی محمد. (۱۳۸۶). بررسی منزلت اجتماعی حرفه معلمی (دبیر دبیرستان و آموزگار دبستان) و تغییرات آن در طول سه دهه گذشته. فصلنامه نوآوریهای آموزشی، شماره ۲۹.
- ۳) شولتس، دوان. (۱۳۷۸). نظریه های شخصیت، مترجمان: یوسف کریمی و همکاران، تهران؛ نشر ارسباران.
- ۴) نیکنامی، مصطفی، ۱۳۷۷، محرک های فشارزا در کار معلمی و استراتژی های مقابله با آنها، فصلنامه تعلیم و تربیت، نشریه پژوهشکده تعلیم و تربیت وزارت آموزش و پرورش، سال چهارم، شماره مسلسل ۵۵ و ۵۶، ص ۱۲-۳۸.
- ۵) اسپالدینگ، چریل، ال (۱۳۷۷)، انگیزش در کلاس، مترجمان: محمد رضائیان، اسماعیل بیابانگرد، چاپ اول، انتشارات مدرسه.
- ۶) پوررجبلی - مصطفی - پرخاشگری و کودکان - انتشارات نور - تهران ۱۳۸۴.
- ۷) پوریفوی، ر. (۱۹۴۵). غلبه بر خشم. (۱۳۸۸). (ترجمه م. قراچه داغی). تهران: انتشارات اوحدی، چهارم.
- ۸) تینگلی، جودیت، سخن گفتن بدون ترس و خجالت، ترجمه مهدی مجرد زاده، انتشارات راه بین، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۰ ش.
- ۹) حاجلوم، م. (۱۳۸۹). مدیریت خشم. تهران: انتشارات قصیده، اول.
- ۱۰) دعوی نژاد - بهادر - اختلالات رفتاری - انتشارات فرهنگیان - تهران ۱۳۸۵ (۱۱) رحیمیان - حوریه بانو - پرخاشگری و روشهای درمانی - انتشارات سحت - تهران ۱۳۸۵ (۱۲) رزمآزما، ه. (۱۳۸۷). خشم چیست؟. تهران: انتشارات نوبخت، اول.
- ۱۳) ژاک، بوشارلا، کودکاندژمنش؛ ترجمه محمد رضا شجاع رضوی (۱۴) ستوده - هدایت الله - روان شناسی اجتماعی - انتشارات بهار تهران ۱۳۸۵ (۱۵) سعیدی راد - بهمن - اختلالات روانی - انتشارات راهبر تهران ۱۳۸۳ (۱۶) شاملو - سعید - سلامت روانی - انتشارات ارجمند - تهران ۱۳۸۴
- ۱۷) شعاری نژاد - علی اکبر - روان شناسی رشد - انتشارات ارسپادان تهران ۱۳۸۵ (۱۸) صادقی و مشک بید حقیقی، عباس و محسن، مدیریت پرخاشگری، نشر حق شناس، بی - چا، رشت، ۱۳۸۵ ش.

۱۹) فتحی، م. (۱۳۸۶). مهارت ابراز وجود و جرأت‌مندی. مشهد: انتشارات شهیدیهپور، سوم. (۲۰) فتحی، م. (۱۳۸۶). مهارت کنترل خشم. مشهد: انتشارات شهیدیهپور، سوم.

۲۱) کارون تاواریس خشم، ترجمه احمد تقی پور و سعید درودی، تهران، نشرخاتون، ۱۳۷۳.

۲۲) گوپتا، م. ک. (۱۹۹۹). کنترل عصبانیت دشمن خطرناک. (۱۳۹۰). (ترجمه م. دانش). تهران: انتشارات نسل‌نواندیش، سوم.

۲۳) گورین و هنسی، سوزان و الیس، پرخاشگری یا زورگوئی در کودکان و نوجوانان، مترجمان حسن توزنده جانی و نسرين کمال پور، نشر مرنديز، چاپ اول، مشهد-۱۳۸۴.

۲۴) لارسن، ا. (۱۹۳۹). از خشم تا بخشش. (۱۳۹۰). (ترجمه س. شکوهی‌نیا). تهران: انتشارات لیوسا، اول. (۲۵) لطف آبادی - حسین - (۱۳۸۵). روان شناسی شخصیت، تهران، انتشارات نور.

۲۶) محدث، جلال‌الدین، شرح غرر و در تمیمی آمدی، ترجمه محمد علی انصاری، انتشارات دانشگاه تهران، بی‌چاپ، تهران، ۱۳۴۶ ش.

۱) Rollinson. D, Broadfield. A, and Edwards, D.J. organizational Behavior and rd, edision Wesley Longman۳). ۱۹۹۸Analysis An Integrated Approach. (

۲) Shell, E,T. (۱۹۹۵). Health Psychology.University of Colifrnia. Losangies. ۱۹۹۵Shell, E,T. (McGraw - Hill, Inc. NewYork

۳).Organization behavior, concepts,۱۹۹۸Rabins EP.( theories and applications. Translated By: Parsaian A, Erabi M. Vol and Research Office Publications

۴) Pajevic I. Sinanovic O .Hasanovic M. "Religiosity And Mental Health". ۲۰۰۵Psychiatric Danub. ۲-۱(۱۷Jun; ۲۰۰۵: ۸۴-۹۰.

۵) Phillips SJ .Whisnant JP. Psychiatry Undermines Religion To Create A

Poloma MM۶ .. Pendeltion BF. "The Effects Of Prayer And Prayer۲۰-۱۲: ۲۰۰۳Mental Health State. Experiences On Measures Of General Well-Being". Journal Of Psychology

Saudia TLY .Kinnery MR .. Brown KC. Health Locus Of Control And۸۳-۷۱: ۱۹۹۹And Theology.

Sima F. Landau. The Effect Of Religiosity On Direct And ۸. ۶۵-۶۰: ۱۹۹۱Helpfulness Of Prayer. Indirect

۲۰۰۱Aggression Among Males And Females.



دهمین همایش ملی



# تازه های روانشناسی مثبت



- . Mark J. "Adolescent Affective ۱۴- ۱۸: ۲۰۰۵ Sloan E. Effects Of Religiosity On Mental Health. ۹  
. Wells H۱۰ .Danald M .Aggression And  
۲۱۳-۲۰۶: ۱۹۹۹ Intervention Model". Journal Of Adolescence.